

توفان

ارگان سیاسی مشترک جهت تدارک کنگره
مؤسس حزب واحد طبقه کارگر ایران

سال پنجم شماره ۵۱ - بهمن ۱۳۷۷

لوح افتخار - یادی از توفانی‌های به خون خفته

در صفحه ۳

لایحه بودجه - ورشکستگی بیشتر رژیم است

نکرده‌اند، و کسری شدید بودجه سالانه رژیم در ارقام نجومی، دولت خاتمی را برآن داشت تا با آخرین تلاش و دست و پا زدن‌های مذبوحانه بکوشد تا بلکه مرگ محتوم نظام رو به احتضار جمهوری اسلامی را برای چند صباحی به عقب اندازد. این تلاش‌ها که نمود بارز خویش را در اصلاحیه طرح بودجه سال ۷۷ و ارائه بودجه سال ۱۳۷۸ خورشیدی به خوبی آشکار

ادامه در صفحه ۶

تلاش مذبوحانه دولت خاتمی برای جلوگیری از مرگ رژیم سقوط درآمد حاصله از نفت صادراتی ایران به ۱۰ میلیارد دلار در سال و پایین آمدن نجومی درآمد حاصله از فرش که پس از نفت دومین و مهم‌ترین منبع ارز خارجی می‌باشد، به مبلغ کمتر از یک میلیارد دلار در سال، عدم پرداخت حقوق بیش از ۴۰۰۰۰۰ کارگر واحدهای تولیدی که در ۲۳۰ کارخانه به کار اشتغال دارند و بین ۱ تا ۸ ماه متوالی حقوقی دریافت

گزارشات مربوط به جنایات امپریالیسم بر علیه مردم عراق

در صفحه ۴

میکونوس دوم

خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی است در اختیار افکار عمومی گذارده است. این تصمیم بر اساس اظهار نظر نشریه "فرانکفورتر روندشاو" که باتکاء اظهار نظر یک سیاستمدار فراری جمهوری اسلامی، که هم اکنون در آلمان بعد از ترورهای اخیر تقاضای پناهندگی سیاسی کرده است، نوشته شده است، در کمیسیونی اتخاذ شده که آقایان خامنه‌ای و خاتمی در کنار هم نشسته بوده‌اند و از تمام کم و کیف ماجرا خبر دارند.

وزارت اطلاعات در طبقه دوم خانه‌ای که مقابل خانه فروهرها در خیابان هدایت قرار دارد دوربین کار گذاشته بود و ورود و خروج به خانه فروهرها را

ادامه در صفحه ۷

روزنامه‌های مشهور آلمانی "فرانکفورتر روندشاو"، "فرانکفورتر آگماینه"، "تاتس"، "زودوویچه ساینونگ" در هفته گذشته خبر دادند که دو مأمور مطلع سیاسی رژیم جمهوری اسلامی در ماه دسامبر سال گذشته از ایران گریخته و به آلمان پناهنده شده‌اند. یکی از این افراد که شخص ظاهراً مهمی است بنام محمد جعفر عامریان عضو مشاور سیاسی "ستاد بحران" مجلس شورای اسلامی است. این شخص صورت اسامی ۱۷۹ نفر را در اختیار مقامات آلمانی گذارده که قرار است بر اساس تصمیم جمهوری اسلامی ذبح اسلامی شوند. نفر دوم که شخصی روحانی بنام حجت الاسلام پروازی است اطلاعات دقیقی در مورد قتل‌های اخیر که زیر سر

یک اقدام تاریخی

آخرین نشست وسیع کادرهای دو تشکیلات دست‌آورد‌های قابل توجهی برای "حزب کار ایران" و "سازمان کارگران مبارز ایران" در برداشت که به تحکیم کار ماکمک فراوانی کرد. در سالی که گذشت فعالیت‌های دو تشکیلات در زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. کادرهای سازمان‌ها که از اقصی نقاط جهان آمده بودند، مایل بودند از نتایج تصمیمات سال گذشته باخبر شوند. آنها می‌خواستند بدانند که تصمیمات سال گذشته تا چه حد به اجرا در آمده و یا چنانچه نارسائی‌هایی در کار بوده آنرا ریشه‌یابی و حل نمایند.

نشست مشترک کادرها در محیطی آکنده از صمیمیت، احساس مسئولیت حزبی صورت گرفت. نتایج کار در طی زمانی که در اختیار نشست مشترک قرار داشت و در شرایط پنهانکاری برگزار می‌شد، چشمگیر بود و گام موثری را در جهت وحدت نهائی دو سازمان برداشت. گزارشات تشکیلات در زمینه‌های گوناگون فعالیت‌های سازمانی با تأیید کلیه رفقا روبرو شد و پس از بحث و بررسی و ایراد انتقادات سازنده و طرح پیشنهادات جدید برای بهبود کار سازمان تصمیمات مشترکی اتخاذ گردید. رفقای مسئول پس از استماع گزارش آنها از طرف نشست در کار خود ابقاء شدند.

برخی از مشکلات سازمان به حل اساسی مشکل مالی وابسته است، گرچه که در این زمینه رفقا به ابتکارات جالبی دست زده‌اند ولی راه حل اساسی برای حل این مشکل هنوز یافت نشده است. تشکیلات ما تشکیلاتی متکی به خود می‌باشد و به یاری کمک‌های مالی اعضاء سازمان و هوادارانش ادامه حیات می‌دهد. تشکیلات ما از منبع در آمد بیگانه‌ای نظیر برخی جریان‌های سیاسی که سرشان در آخور سازمان امنیت عراق گیر کرده،

ادامه در صفحه ۲

شریک در قتل

خاتمی در گفت و شنود با دانشجویان دانشگاه در پاسخ به پرسش آنها که نظر خاتمی را در مورد قتل فروهرها جویا شدند، گفت: "از قتل ناگوار تنها دشمنان انقلاب سود برده‌اند ما برای ریشه‌یابی و شناسائی عاملان قتل فروهر و همسرش تا آخر جلو خواهیم رفت و با هیچ فردی رودریاستی نداریم."

منظور از دشمنان انقلاب که از این قتل سود برده‌اند جنبش اعتراضی مردم چه در داخل و چه در خارج از کشور است. خاتمی بیشتر نگران "سود جوئی" دشمنان انقلاب از این قتل است تا محکومیت انجام عمل

ادامه در صفحه ۱۱

استالین پرچم است

در "توفان" شماره ۴۹ مقاله‌ای از "حزب کار روسیه" به چاپ رسیده بود که در آن به فعالیت این حزب در راه تشکیل حزب واحد طبقه کارگر روسیه اشاره می‌رفت. "توفان" نقل کرد که یکی از شرایط وحدت برای تشکیل حزب واحد طبقه کارگر را رفقای کمونیست روسیه "پذیرش اندیشه‌های انقلابی مارکس، انگلس، و استالین و ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا برای گذار به جامعه کمونیستی" قرار داده‌اند. خواننده تیزبینی بدرستی برای مانامه نوشت که نام لنین از این مجموعه افتاده است آیا قصد خاصی در کار است و یا اشتباهی

ادامه در صفحه ۷

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی

یا اقدام...

برخوردار نیست و از این بابت بسیار نیز خوشحال است. زیرا آن سازمانهایی که به یاری سازمان امنیت عراق بار خود را بسته‌اند در فردای انقلاب ایران باید پاسخگوی خلق ایران باشند. "استدلال دشمن دشمن من دوست من است" برای تبرئه این جریان‌های کافی نیست. ما بدون این امکانات مالی توانسته‌ایم خدمت ناچیزی را که انجام می‌دهیم با الهام از منبع عظیم درآمد معنوی کمونیسم سازمان دهیم. این منبع ناخشکیدنی است. این نشانه اصالت تشکیلات ماست و خوب است که خوانندگان ما به این امر واقف باشند. بخشی از مخارج ما را هواداران "توفان" می‌پردازند که ما صورت آنها را تا جایی که لازم است در نشریه به چاپ می‌رسانیم. مقدار کمکهای مالی هواداران بیش از مقداری است که در نشریه به چاپ می‌رسد. این اقدام نشانه نفوذ معنوی "توفان" در میان خوانندگانش است. ما به این کمکها نیاز داریم و لازم است دوستان "توفان" باین امر توجه کنند. این کمکهای مالی یکی از ارکان انتشار مرتب نشریه است. ما در این زمینه به خوانندگان خود روی می‌آوریم و امیدواریم که ما را در آستانه وحدت سازمانی از هر نظر یاری رسانند.

"توفان" را از خودشان بدانند و با آن همکاری کنند. نامه‌های شورانگیزی که برای ما می‌رسد حاکی از آن است که کمونیستها نیروی بزرگی هستند که بدنبال سازمان اصیل خود می‌گردند. ما در زمان مناسب گزیده‌ای از این نامه‌ها را درج خواهیم کرد.

نشریه "توفان" با چهار سال انتشار مرتب جای خود را در میان هواداران کمونیسم باز کرده است. تیراژ آن از این ماه تا ماه بعدی افزایش می‌یابد. هم اکنون تیراژ نشریه به شش برابر نخستین شماره نشریه رسیده است. انتشار این مقدار نشریه و توزیع مرتب آن به کار خستگی ناپذیر نیاز دارد که رفقا به خوبی از عهده آن برآمده‌اند.

پس از پایان گزارشات، گردهمایی به بحث و تبادل نظر در مورد مسایل مورد اختلاف پرداخت که از قبل آنرا مسئولانه تدارک دیده بود

مهمترین دستاورد این نشست وحدت اندیشه دو تشکیلات بود.

وقتی ما در این راه گام گذاریم می‌بایست بر سوءظنها، نا ملایمات، تنديها و تعصبات با حوصله و پشتکار غلبه می‌کردیم. ما این کار را مشترکاً و صمیمانه انجام دادیم.

وقتی ما در این راه مشترک گام گذاریم مطمئن بودیم که اعتماد رفیقانه را فقط در جریان کار مشترک و تفاهم متقابل می‌توان کسب نمود و اعتماد رفیقانه مهترین شرط هر همکاری و اساس هر انضباط آهنین سازمانی خواهد بود. ما این اعتماد رفیقانه را پس از

طی چهار سال با حوصله و تفاهم ایجاد کردیم.

ما می‌دانستیم که وحدت اندیشه فقط با توافق مرکزیتها پدید نمی‌آید بلکه به بحث همه بدنه نیاز دارد بهمین جهت در ماوراء مرزهای تشکیلاتی مهمترین نکات مورد اختلاف را طرح کردیم و به تبادل نظر جمعی، جداگانه، کتبی و شفاهی در مورد آنها پرداختیم. رفقای دو سازمان فعالانه در آن شرکت کردند و خود را برای مبارزه نظری آماده نمودند. ما می‌دانستیم که این شیوه کار طولانی است، مخالفین ما را ذوق زده می‌کند که گویا از این وصلت نیز چیزی عاید نشده است، ولی تعجیل در امر وحدت نظری مشکلات آتی را در پیش خواهد داشت که وحدت نظری را مکانیکی و سست می‌گردانید. ما بر این خطر آگاه بودیم و از تمسخر و حملات مخالفین غمی به دل راه ندادیم. ما در سالهای گذشته با بحث در مورد مسئله ملی و ماهیت طبقاتی هیات حاکمه ایران، اسنادی را در عرصه سیاسی به تصویب رسانده بودیم که باید با وحدت نظر در عرصه‌های دیگر تکمیل می‌شد تا راه وحدت آگاهانه و بی‌خدشه عملی گردد. بهمین جهت نقاط مورد اختلاف را که مربوط به تحلیل خصلت جامعه ایران و خصلت انقلاب آتی آن می‌شد به بحث گذاریم. ما طرح برنامه حزب متشکل از "حزب کار ایران" و "سازمان کارگران مبارز ایران" را در یک حزب واحد تدوین کرده و طرح تصویب شده را برای بحث درونی و بیرونی بزودی منتشر می‌کنیم. نشست مشترک به همه اهدافی که در دستور کار خود قرار داده بود در محیطی آکنده از احساس مسئولیت کمونیستی، بدور از لیبرالیسم و یا تعصبات سازمانی پس از بحثهای کافی نایل آمد. حجم کاری که انجام شد چشمگیر بود. این امر از آن جهت عملی بود که یک پشتوانه چهار ساله بحث و تبادل نظر را با خود به همراه داشت. مسلماً اگر سازمانهای ما از منبع در آمدی برخوردار بودند که امکان نشستهای متعدد و در فواصل کوتاه را ممکن می‌ساخت کار نزدیکی دو سازمان زودتر از این سر می‌گرفت ولی ما در هر صورت قادر نبودیم این شرایط عینی را بر وفق مرادمان تغییر دهیم.

اکنون دو سازمان پس از بحثهای سیاسی در عرصه ایدئولوژیک، سیاسی و درک واحد لئینی از سازمان سیاسی طبقه کارگر در آستانه وحدت سازمانی قرار دارند. این وحدت به کار فراوان نیاز دارد و باید در تدارک آن کوشید. ما دو تشکل در این راه مشترکاً چون تنی واحد گام بر می‌داریم.

دو سازمان مشترکاً به این نتیجه رسیدند که جامعه ایران جامعه‌ای سرمایه داری و انقلاب آتی ایران انقلابی سوسیالیستی خواهد بود.

طرح برنامه تشکیلات با اعتقاد باین اصل تدوین گردید و دست ما را برای تدوین سیاستهای روشن

عملی روز و استراتژیک باز کرد. این نشست مانع بزرگی را که در پیش پای دو تشکل قرار داشت به بهترین وجهی مرتفع نمود.

نزدیکی این دو سازمان نشان می‌دهد که تا چه حد راهی را که ما برای تشکل و یکپارچگی انتخاب کردیم راه درستی بود و به سرانجام رسید. این راه تجربه شده باید سرمشقی برای همه کسانی باشد که صمیمانه تمایل به نزدیکی و همکاری دارند و از انحلال طلبی بدورند. کمونیستها با بیش از هفتاد سال سابقه فعالیت در ایران و تجربه عظیم جنبش جهانی کمونیستی نمی‌توانند و نباید از صفر شروع کنند. مسئولیت در قبال طبقه کارگر و جنبش مردم ایران که رو به اعتلاست ما را بر آن می‌دارد که در راه ایجاد تمایز روشن با بورژوازی ایران به پیش رویم و از آلوده کردن افکار کمونیستها با تفکرات غیر طبقاتی و سازشکارانه بپرهیزیم و این تنها از راه وحدت صفوف مبارزان راه آزادی طبقه کارگر مقدور است. تنها از طریق این مبارزه است که تشکل مستقل طبقاتی پدید می‌آید. مرجع شمردن هر راه دیگری بجز تلاش در راه تشکیل حزب واحد طبقه کارگر پافشاری بر پراکندگی و حفظ وضعیت فعلی است و بیراهه‌ای است که به ناکجا آباد ختم می‌گردد. راه وحدت ما در ایجاد تشکیلات واحد، از طریق نزدیکی تشکلهای مارکسیست-لنینیست که بهر تقدیر موجودیتشان قابل نفی نیست، یگانه راه درست تجربی است که با صبر و حوصله و نرمش اصولی امکان یافته است.

نشست پس از چند روز بحث و تبادل نظر با تصمیمات مهم و تاریخی پایان رسید. کلیه رفقا به احترام همه جانب‌باختگان و مفقود شدگان دو تشکیلات پیاخاستند و به جانب‌باختگان راه طبقه کارگر و رفقای که دیگر در میان ما نیستند، سوگند خوردند که راه آنان را تا پیروزی کمونیسم این ایدئولوژی نجات بخش بشریت ادامه دهند. گام ما گام مهمی در خدمت وحدت تشکیلاتی طبقه کارگر و گردانهای وی است.

ما همه کمونیستها، مارکسیست-لنینیستهای ایران را دعوت می‌کنیم در بحث مربوط به طرح برنامه و اساسنامه ما شرکت کنند. ما خود با نتیجه‌گیریهای نشست اخیرمان سهم خود را در برخورد به سایر برنامه‌ها بانجام خواهیم رسانید. باشد که این اقدام ما، همه کمونیستهای را که استالین را پرچم مبارزه علیه رویزیونیسم می‌دانند و خوراک تبلیغاتی تروتسکیستها و جهان وطنی‌ها نشده‌اند، بخود آورد و به راهی گام گذارند که به ایجاد یک تشکیلات یگانه منجر می‌گردد تشکیلاتی که شناسنامه و هویت سیاسی روشنی دارد. □

لوح افتخار

جانباختگان توفانی در راه سوسیالیسم

لوح جانباختگان به ما می آموزد که مبارزه طبقاتی بیرحمانه است و با قربانی همراه خواهد بود. هیچ جامعه کهنی را نمی توان با زبان خوش از ریشه کند. باید برای تغییر بنیادی آن پیکار کرد که با مقاومت سربازان جهل و عقب ماندگی روبرو می شود. لوح افتخار به ما هشدار می دهد که به نیروی انسانها ایمان داشته باشیم و بدانیم که تا چه حد برای استقرار یک جامعه انسانی آمادگی پیکار دارند و از بهترین تملک خویش که جان خود باشد، در راه پیروزی حقیقت می گذرند تا نسلهای بعدی در آسایش و رفاه زندگی کنند. لوح افتخار ما را به احترام به این نیروی عظیم انسانی وا میدارد. لوح افتخار هشدار به همه کسانی است توجه ندارند دستاوردهای زندگی آنها که بی خیال از کنار آن می گذرند محصول مبارزه میلیونها انسانی بوده که برای فردای بهتر جان خود را از دست داده اند. لوح افتخار نام کسانی است که به جمع اندیشیده اند، به مردم عشق ورزیده اند و با سريلندی به این راه رفته اند. لوح افتخار خلق ما به این عده محدود نیست و هزاران هزار را در بر می گیرد، به بلندی تاریخ دوهزار و پانصد ساله ایران است. همه جانباختگان راه طبقات زحمتکش چون شمعی بر سر راه صعبی که ما در پیش داریم می درخشند و به ما الهام میدهند که در امر خود ساعی باشیم. آنها با زبان بی زبان نور به ما می گویند که راهشان را ادامه دهیم و پیمان ببندیم تا نابودی دشمن طبقاتی از پای ننشینیم آنروز است که این خونها گللهائی پرورش دهند که جهان را گلستان نماید. لوح افتخار افتخار بر آنانی نیز هست که در این لوح منظور نشده و یا ملیت روسی و یا چینی، ویتنامی، اندونزی، فرانسوی، آلمانی، کنگوئی، الجزایری، آمریکائی، شیلیائی و یا کوبائی دارند. افتخار بر برادران ما که در راه هدف مشترک با ما پیکار کردند و می کنند. لوح افتخار شهیدان راه آزادی طبقه کارگر به ما نیرو می بخشد و نشان می دهد که ما از پیکار مستمر باز نمی ایستیم. لیکن این لوح رفقای توفانی لوح همبستگی خلقهای قهرمان ایران نیز هست که با وجود تعلقات ملی گوناگون در تشکیلات واحدی برای امر کمونیسم مبارزه کردند. این لوح گویای آن است که تشکیلات ما یکشبه سر از خاک بیرون نیآورده و در امر حمایت از زحمتکشان سابقه طولانی دارد و با خون آبدیده شده است، در کار خودش جدی است و به زحمتکشان عشق می ورزد. این رفقای جانباخته در میدانهای تیر و یا در زیر شکنجه، سرمایه معنوی و الهامبخش رفقای ما هستند. باید راه آنها را برای تشکیل حزب واحد طبقه کارگر، برای وحدت کمونیستها در سازمانی واحد ادامه داد. تنها آنروز است که هیچ خونی بی ثمر بر زمین نریخته است. ما که امروز گام بزرگی را در راه وحدت تشکیلاتی دو تشکیلات "حزب کار ایران" و "سازمان کارگران مبارز ایران" برداشته ایم وظیفه خود می دانیم پیمان خود را با رفقای که دیگر در میان ما نیستند تجدید کنیم و عهد نمائیم که همواره مصالح عالی جنبش کمونیستی را در نظر داشته باشیم و از فرعیات، موارد و مسایل ناچیزی که تفکر خرده بورژوازی، تنگ نظری ها، خودبزرگینی ها، چون سدی بر سر راه وحدت کمونیستها ایجاد می کند با الهام از این اندیشه دوری گزینیم. یادشان گرامی باید.

جانباختگان توفانی عضو حزب کار ایران

رفیق نصرالله جعفر نژاد
رفیق محمد جواد عرفانیان
رفیق مهدی اقتدار مش
رفیق میر مسعود میر جلالی
رفیق حمید شریف نژاد
رفیق مهدی نجفی
رفیق مرحمت فرهودی
رفیق صفات الله شاماری
رفیق محمد رضاتحویلداری
رفیق قاسم خادمی منفرد
حزب کار رفیق حسین زارع
رفیق نبی مفیدی
رفیق منوچهر تهرانی
رفیق شاهرخ اسفراینی
رفیق جانبرار روحی
رفیق داریوش انصاری
رفیق مسعود نائیان
رفیق مهدی شیر خدا
رفیق اصغر پهلوان
رفیق نادر رازی
رفیق محمد رضا بیک محمدی
رفیق ابراهیم دادجو
رفیق عباس گودرزی (کارگر چاپخانه، اولین بارنیزان حزب کار که با ماموریت حزبی برای شرکت در جریان مبارزه مسلحانه رفقای سربداران اعزام شد و جانباخت.

رفیق احمد دالری
رفیق قدرت فاضلی عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب کار ایران
رفیق توفیق ادیب
رفیق بابا پور سعادت عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب کار ایران
رفیق منصور مختاری عضو کمیته مرکزی حزب کار ایران
رفیق حسن حسنی حزب کار ایران (عضو کمیته مرکزی، یکی از موسسین شورای مؤسسه اتحادیه کارگران).
رفیق حمید رضا جیتگر (همسایه) عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب کار ایران
رفیق مهدی میرعلیان
حجت آلبان
رفیق محمد رضا کسرانی

جانباختگان توفانی عضو سازمان کارگران مبارز ایران

رفیق مسعود نعمت اللهی (سعید) عضو هیات مرکزی سازمان کارگران مبارز ایران
رفیق بهمن نعمت اللهی (ایرج) عضو هیات مرکزی سازمان کارگران مبارز ایران
رفیق احمد مجلسی عضو هیات مرکزی سازمان کارگران مبارز ایران
رفیق غلام رنجبری
رفیق "زولیده" کارگر برکش (نام مستعار) مفقودالانتر
سازمان کارگران مبارز ایران
رفیق داود ندرتی
رفیق ابراهیم نعیمی
رفیق بهرام رازی
رفیق بدالله پهلوان
رفیق غلامرضا محمد پور
رفیق ذوالفقار عمرانی تبار
رفیق حسن مختاری
رفیق داریوش فاضلی

امپریالیسم در عراق کماکان جنایت می‌آفریند

خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.
حال چرا دموکرات‌ها چپ‌نمای راست‌زن ما
ایرانیان دچار خفقان شده‌اند الله اعلم. □

برش‌های دقیق جراحی از نوع آمریکایی

خاطرثان هست که آمریکایی‌ها در جریان جنگ با عراق چه در سال ۱۹۹۱ و چه در دسامبر گذشته آن چه که از این جنگ بر روی تلکس خبرگزاری‌ها می‌فرستادند، فیلم‌های جنگی از نوع ویدئویی بود بدون کوچکترین زخمی و کشته و بر پایه این فیلم‌ها آن چنان دقیق اهداف را نشانه رفته و منفجر می‌کردند که گویا حتی شیشه‌های ساختمان کناری نیز نمی‌شکست. نام آن را نیز برش دقیق جراحی نهاده بودند. حال معلوم شده که این برش‌ها گاهی نیز به پارگی بیش از حد بدل می‌شود. به عنوان نمونه در دسامبر سال گذشته در یکی از این برش‌های دقیق بوسیله پرتاب موشک آمریکایی هدف عراقی که آماج حمله قرار نگرفت هیچ بلکه شهر و حتی کشور را نیز در محاسباتش درست ارزیابی نکرد. یکی از این موشک‌ها آن زمان در خرمشهر فرود آمد و به بیش از ۲۰۰ واحد مسکونی خسارت رسانید.

در حمله گسترده آمریکا به مواضع عراق در روز ۲۵ ژانویه سال جاری باز هم برش دقیق عمل نکرد و این بار موشکی که توسط لیزر کنترل می‌شد در آبادان اصابت کرد که خوشبختانه خسارت جانی به همراه نداشت. □

«اسلام عزیز» و حمله به عراق

اسلام عزیز نیز که در حمله آمریکا به عراق با دمشق گردو می‌شکست، از این میانه سرافکنده بیرون آمد. جمهوری اسلامی در این میان تا بدانجا پیش رفت که ماه رمضان را امسال یک روز دیرتر اعلام کرد تا مبادا احساسات مردم ایران بر علیه آمریکا بخاطر حمله به عراق در این ماه جریحه دار شود. پس از پایان حمله خرازی خود را پیش انداخت تا آب رفته را به جوی بازگرداند و مدعی شد که آمریکا و انگلستان تحت فشارهای ایران از ادامه حمله به عراق دست کشیده‌اند. خواننده‌ای در روزنامه سلام رژیم را در تماس تلفنی اش به باد تمسخر گرفته و می‌گوید حال که از آقای خرازی چنین چیزی برمی‌آید از وی خواهش داریم تا ترتیبی دهد که آمریکا همه نیروهایش را از خلیج فارس بیرون کشد. □

از طریق تلویزیون CNN از حملات آمریکا و انگلستان اطلاع می‌یابند.

در روز ۱۶ دسامبر سال گذشته ریچارد باتلر رییس کمیسیون ویژه بازرسی ملل متحد در عراق (آنسکام) گزارشی را به شورای امنیت ملل متحد ارائه می‌دهد. همزمان با این گزارش، گزارش سازمان بین‌المللی انرژی اتمی (IAEO) در اختیار ملل متحد قرار می‌گیرد که بر پایه آن عراق در شرایطی نیست که سلاح اتمی تولید نماید. شورای امنیت درباره این گزارشات به بحث می‌نشیند که ناگهان اعضای آن که فی‌الواقع مرجع تصمیم‌گیری هستند از طریق گیرنده‌های تلویزیونی خبر بمباران عراق را دریافت می‌کنند.

کم‌کم عمق فاجعه انسانی نمایان می‌شود. مردم جهان به تدریج درمی‌یابند که قطعنامه‌ها و دستورات مراجع بین‌المللی بی‌ارزشند و امپریالیسم بسته به تناسب قوا آن‌جا که زورش نمی‌رسد قطعنامه‌های دیپلماتیک را به رخ می‌کشد و آن‌جا که زورش می‌چربد به زبان گلوله سخن می‌راند. در این میان نقش مزدور و جاسوسی به نام ریچارد باتلر بسیار تماشایی است. عراق سال‌ها تلاش داشت تا سازمان ملل باتلر را به خاطر جاسوس بودنش تعویض نماید. ملل متحد زیر بار نمی‌رفت. حال برپایه گزارشات منتشره و به ویژه در مطبوعات آمریکا معلوم می‌شود که ایشان نه فقط جاسوس بوده و دوربین‌های فیلمبرداری را برای مقاصد آمریکایی‌ها نصب می‌نموده بلکه وی مستقیماً عامل اجرایی سیاست‌های امپریالیسم آمریکا در عراق بوده است. بر پایه اسناد منتشره باتلر به جای مشاوره با همکارانش در آنسکام، با وزارت خارجه آمریکا در تماس دائم بوده و از آن‌ها خط می‌گرفته است و حقوق کلانش را از ملل متحد دریافت می‌کرده است.

بر پایه اظهارات اسکات رایتر که خود تا ماه اوت سال گذشته از اعضای آنسکام بود و به خاطر افشای جاسوسی آنسکام برای اسرائیل توسط وی، اخراج شد، رابط باتلر نه سازمان ملل متحد که شورای امنیت ملی آمریکا بوده است و روزنامه نیویورک پست مورخ ۱۷ دسامبر می‌نویسد که: «باتلر دستور داشته است که گزارش خود را شدیداً لحن نوشته تا حملات هوایی آمریکا قابل توجیه باشد.» تو

بمباران و موشک‌باران‌های آمریکا و انگلستان در ماه دسامبر سال گذشته بر علیه مردم عراق و به دنبال آن بمباران‌های مستمر پایگاه‌های نظامی و مناطق مسکونی عراق توسط ارتش آمریکا، یک بار دیگر دیدگان افکار عمومی جهان را بر آن چه بر مردم عراق می‌رود گشود.

بر پایه تحقیقات مراجع بین‌المللی تاکنون به علت محاصره اقتصادی عراق بیش از ۱/۸ میلیون نفر از مردم این کشور به ویژه کودکان عراقی از سوءتغذیه و کمبود دارو جان خود را از دست داده‌اند. متوسط عمر مردم عراق که پیش از جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ در حدود ۶۸ سال بود اینک به ۴۰ سال تقلیل یافته است. تأسیسات زیربنایی این کشور فلج شده است. قریب ۴۰٪ کودکان به مدرسه نمی‌روند و این در حالی است که در دهه ۸۰ میلادی آموزش و پرورش عراق تمامی کودکان عراقی در سنین تحصیل را تحت پوشش خود داشت.

بر پایه همین گزارشات ارتش عراق نتوانسته است ۸ سال گذشته یک چرخبال، حتی یک تانک ابداع نماید و از سیستم نظامی که شامل مهمات و سکوها پرتاب باشد بکلی ساقط گردیده. این ارتش اینک به گونه‌ای خلع سلاح شده‌است که زورش حداکثر به قیام‌های مردمی غیرمسلح این سوی و آن‌سوی این کشور می‌رسد.

از سوی دیگر صدام حسین و یارانش، همان ماری که جانیان امپریالیست در آستین پروراندند و به افعی بدلش کردند، برپا و پابرجاست و ککش هم نمی‌گردد یعنی فی‌الواقع چاره دیگری هم ندارد. افعی‌ای که دندان‌هایش را چنان کشیده‌اند که تنها اینجا و آن‌جا مردم خود را نیش می‌زند.

اهداف امپریالیسم آمریکا در حملات جنایت‌بار خویش به عراق روشن است. آمریکا پس از فروپاشی شوروی خود را تنها ژاندارم بین‌المللی می‌خواند. او از یکسو با این جنایات حضور خود را در گلوگاه نفت و انرژی جهان استمرار می‌بخشد و از سوی دیگر در چارچوب تضادهای امپریالیستی‌اش با اروپا در واقع عراق را بمباران می‌کند تا سازمان ملل و امپریالیست‌های اروپا را هدف گیرد. بیهوده نیست که اعضای شورای امنیت سازمان ملل و شخص دبیرکل -کوفی عنان-

بهمن...

پیشروی‌اش توسط نیروهای ارتجاعی و برخاسته از گور تاریخ متوقف شد اما خاطرات آن جنبش عظیم و شکوه و جلال مبارزات خلقهای ایران برای آزادی محو نشده و خود الهام‌بخش مبارزه دیگر گردید.

از انقلاب که بگذریم این ماه یادآور بزرگمردان انقلاب و نام‌آوران تاریخ میهن ماست. انسانهایی چون ارانی، قاسمی و سفایی که سراسر عمر با عزت و شرف خود را در راه خدمت به خلق طی کرده و در سر سودایی جز اهداف بزرگ انسانی خویش نداشته‌اند. بهمن ماه همچنین یادآور خاطره شاگردان مکتب ارانی و قاسمی و سپاهیان بزرگ لنین، رفقای چون "اقتدار منش" و "عرفانیان" که در گرماگرم انقلاب ۲۲ بهمن اسلحه در دست و جان بر کف به پادگانهای شاه هجوم آوردند و توسط مزدوران شاه در خون سرخشان غلطیدند. بهمن ماه یادآور خاطره با شکوه رفیق گرانقدر دیگری است که طی ماموریت حزبی در جریان حمله سربداران به آمل تا آخرین گلوله قهرمانانه جنگید و در راه سرنگونی خون‌آشامان حکومت اسلامی زندگی غرورآفرین خویش را نثار کرد و پارتیزان حزب لقب گرفت "عباس گودرزی". سر آخر، بهمن ماه، ماه درگذشت معلم و رهبر بزرگ کمونیستهای جهان است. اگر چه تصادفی است که بهمن ماه با درگذشت لنین آغاز میشود، اما حقیقتی است که در پی آن شاگردان وفادار او ارانی (۱۴ بهمن - ۲۱ ژانویه)، قاسمی (۲۴ بهمن)، سفایی (۳۰ بهمن) و ... که در زندگی نیز راه معلم خویش را پیمودند، بدنبال او چشم از جهان فروبستند. بزرگداشت بهمن، بزرگداشت خاطره کسانی است که در راه سعادت بشر و نیکبختی جامعه انسانی آگاهانه از همه چیز خود چشم پوشیدند، در مقابل ارتجاع و استبداد ایستادند و به وظیفه تاریخی "انسان بودن" جامه عمل پوشاندند. یادآوری این مردان بزرگ به منظور الهام از آنهاست. یادآوری این مردان بزرگ احترام به اندیشه بزرگ و دوراندازی است که راهبر آنها بوده است، اندیشه فناپذیری که با مرگ افراد نمی‌میرد و گذشت زمان خلأیت، کاربری و توانایی آن را نمی‌کاهد: اندیشه همیشه تازه مارکسیسم - لنینیسم. یادآوری این ماه به منظور تجلیل از حماسه کمونیستهای است که هیچ تبلیغاتی قادر نیست آنها را محو کرده و از خاطره‌ها بزدايد. یادآوری این مردان بزرگ در عین حال پاسخ به آنهايي است که می‌کوشند تا بواسطه شرایط تاریخی ویژه‌ای که در اثر حاکمیت سیاه اسلام، اشاعه و تقویت افکار مذهبی و ضعف و پراکندگی کمونیستها و حملات وقیحانه ارتجاع و بورژوازی جهانی به کمونیستها و ... بوجود آمده، تمام مبارزه را به نام خود ثبت کرده و خود را پیشقراول

بخشی از پیام پشتیبانی به متحصنین چپ ایرانی در دفتر حزب چپ سوئد
رفقای عزیز!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ جنایات خود نشان داده است که به دگراندیشان مترقی و انقلابی همانند رژیم خود فروخته پهلوی به مثابه گروگان می‌نگرد و هر زمان که اراده کرد میتواند آنها را بطور فردی و یا جمعی به قتل برساند. محمد مختاری، محمد پوینده، مجید شریف و... اولین قربانیان این رژیم اسلامی نیستند و آخرین آن نیز نخواهند بود... قتل های اخیر برای ارعاب همه روشنفکران و دگراندیشان است... اعتراض گسترده علیه رژیم وظیفه عمومی است. حمایت از حقوق دموکراتیک نویسندگان و طبقه همه نیروهای مترقی و انقلابی است.

رژیم فرهنگ‌ستیز و آزادی‌کش اسلامی فرجامی جز سرنگونی فزاینده بار در انتظارش نخواهد بود...

پیام رادیویی برای فراخوان به تظاهرات
رژیم جمهوری اسلامی را
محکوم میکنیم

ما از تظاهرات روز جمعه ۱۸ دسامبر که در اعتراض به ترورهای اخیر و محکوم نمودن رژیم جمهوری اسلامی به عنوان مجریان اصلی این ترورها می‌باشد، پشتیبانی می‌نمائیم و از عموم هموطنان آزادیخواه، مترقی و انقلابی خواهانیم که در این حرکت وسیعاً شرکت نمایند.

سرنگون باد رژیم
سرمایه‌داری جمهوری
اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

هواداران سازمان کارگران مبارز ایران -
واحد استکھلم

هواداران حزب کار ایران (توفان) -
واحد استکھلم

تصحیح و پوزش

در شماره گذشته توفان نام رفیق حمیدرضا چیتگر اشتباه به چاپ رسیده بود که تصحیح می‌گردد

مبارزات خلق بدانند و جای تأسف است که همین افراد در رابطه با تاریخ جنبش مقاومت ایران "روز شهیدان" را نیز که مصادف با سالروز شهادت دکتر تقی ارانی در قلب و جان هر مبارز آزادیخواهی به ثبت رسیده، بشیوه خویش تغییر داده و تاریخ دیگری ساخته‌اند. گویی که مبارزه تنها با آنها آغاز شده و جز آنها کسی در این راه قدمی برنداشته است!!

سراسر تاریخ چند دهه گذشته ایران با خون کمونیستهای آزادیخواه و شجاعی چون حیدرخان عمواغلی‌ها، ارانی‌ها، سیامک‌ها، قدرت فاضلی‌ها، بابا پورسعادت‌ها، حمید بهمنی‌ها و هزاران کمونیست دیگر منقوش بوده و کمونیستها اگر روز شهیدان، یا ۱۴ بهمن را گرامی میدارند در عین حال یاد کسانی را که بر علیه امپریالیسم و ارتجاع پیاخته‌اند را صرف نظر از هر تعلق گروهی گرامی داشته و آنرا الهام‌بخش پیکارهای مردم ارزیابی مینمایند. جاودان باد خاطره جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم. گرامی باد یاد ارانی و قاسمی.

کارگری...

پزشکی، کارکنان و کارگران کاشان را که تحت پوشش تأمین اجتماعی بودند به خاک سیاه نشانند. بیش از ۴۰۰۰ تن از کارگران و کارکنان این بیمارستان به تجمعات و اعتراضاتی که به سرعت مورد پشتیبانی اقشار مختلف مردم قرار گرفت، دست زدند و راه‌پیمایی بسیار گسترده‌ای را نیز سازمان دادند. این حرکت‌های اعتراضی علیرغم وعده‌های سرخرمن همچنان ادامه یافت تا این که فرماندار شهر رسماً به اطلاع معترضین رسانید که تصمیم واگذاری این بیمارستان لغو گردیده است. این پیروزی روحیه‌ای بسیار بالا به تظاهرکنندگان برای اعتراضات آتی داده است.

اعتصاب موفق

کارگران قهرمان کارخانه جهان چیت در ادامه اعتراضات خویش علیه وضعیت ناهنجار و غیرانسانی موجود در این واحد تولیدی و عدم پرداخت حقوق معوق خویش دست به اعتصاب زدند. اعتصاب بیش از ۲۰۰۰ تن از کارگران سبب گردید که تمامی خطوط ارتباطی کارخانه قطع گردد.

اعتصاب کارگران از جان گذشته این کارخانه علیرغم یورش پلیس ضدشورش نیروی انتظامی کرج با موفقیت پایان پذیرفت و دست اندرکاران رژیم را مجبور نمود از ترس گسترش دامنه این اعتصاب به دیگر کارخانجات و سایر عرصه‌های جامعه تمامی اعضای هیأت مدیره کارخانه را به دلیل بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات کارگران، بازداشت نماید. □

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری

اتحاد و مبارزه

نشریه اتحاد و مبارزه که از طرف کنفرانس حرکت بین‌المللی در سال دو بار انتشار می‌یابد، به چهار زبان اسپانیایی، انگلیسی، فرانسوی و ترکی چاپ و در بیش از ۳۶ کشور جهان پخش می‌گردد. بسیاری از مقالات این نشریه به زبان‌های عربی و روسی نیز ترجمه می‌گردد. کسانی که تمایل به دریافت این نشریه به زبان‌های فوق را دارند، می‌توانند آن را با ارسال ۱۰ مارک آلمان به اضافه هزینه پست از نشانی توفان بخواهند. در آخرین شماره نشریه اتحاد و مبارزه مطالب زیر درج گردیده است:

- ** مبارزه ضدامپریالیستی در شرایط کنونی (حزب کار کمونیست جمهوری دومینیک)
- ** نامه‌ای از کمیته مرکزی حزب کمونیست م-ل اکوادور به کمیته مرکزی حزب کمونیست م-ل کلمبیا (حزب کمونیست م-ل اکوادور)
- ** فعالیت حزب در میان طبقه کارگر (حزب کمونیست کارگران فرانسه)
- ** در مورد مبارزه سندیکایی (سازمان اکتبر کمونیست اسپانیا)
- ** وظایف انقلابی «EPL» و اهمیت مبارزه مسلحانه حزب کمونیست م-ل کلمبیا
- ** برنامه سوسیال دموکراسی در مکزیک (حزب کمونیست مکزیک - م-ل)
- ** کار در میان توده‌ها و بحث اتحاد اصداد (حزب کمونیست شیلی - اتحاد پرولتری)
- ** حرکت سندیکایی و مشکلات مبارزه سندیکایی (حزب کمونیست انقلابی ترکیه)
- ** جلسه بین‌المللی سندیکالیست‌ها
- ** بیانیه انقلابی از مرکز دنیا - اولین سمینار بین‌المللی «مسائل انقلابی کشورهای آمریکای لاتین»

BIRLIK ve MÜCADELE

UNITY & STRUGGLE

UNITÉ ET LUTTE

UNIDAD Y LUCHA

لایحه بودجه...

می‌سازد، چیزی جز افزایش بار مشکلات اقتصادی - اجتماعی بر مردم سیه‌روز ایران نیست. نکات اصلی غارت‌گرانه اصلاحیه بودجه سال ۷۷ در شماره‌های پیش توفان به تفصیل بیان گردیده است. رئوس اساسی بودجه سال ۷۸ عبارتند از: توقف طرح‌های عمرانی، اخراج کارگران و کارکنان دولت، افزایش مالیات‌ها و گرانی افسارگسیخته ناشی از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم.

از زمان روی کارآمدن دولت خاتمی تمامی پروژه‌های عمرانی در دست اقدام، نیمه‌تمام یا رو به اتمام که تعداد آنان بالغ بر هزاران پروژه خدماتی - صنعتی می‌باشد، به طور کامل متوقف شده و هیچ‌گونه دورنمایی برای در دست اقدام قراردادن آن‌ها در بودجه جدید دولت خاتمی وجود ندارد.

از زمان روی کارآمدن دولت خاتمی تمامی تلاش‌ها در راستای اخراج کارگران و کارکنان دولت و محدود ساختن استخدام‌های دولتی بوده است. به طوری‌که تاکنون مطابق گفته‌های خود حضرات رژیم بیش از ۲۰۰۰۰ تن از کارکنان دولت اخراج گردیده‌اند. اگر به خیل این اخراجیان، اخراج هزاران کارگر را که در ماه‌های اخیر بیکار شده‌اند، بیافزاییم، (به عنوان نمونه اخراج ۱۴۰۰ کارگر پالایشگاه آبادان در ماه گذشته) به عمق سیاست خانمان‌برانداز دولت جدید بیشتر پی می‌بریم.

یکی از ویژگی‌های مهم بودجه سال ۷۸ دولت خاتمی افزایش مالیات‌های مستقیم به شیوه‌ها و بهانه‌های گوناگون است. درحالی‌که سهم درآمدهای مالیاتی بیش از ۳۱ درصد کل درآمدهای پیش‌بینی شده می‌باشد، دولت خاتمی برای اولین بار بر فروش آهن و مس مالیات مستقیم بسته است. طبق لایحه بودجه سال ۷۸ کارخانه‌های تولیدکننده برای هر کیلو فولاد تولید داخل مبلغ ۷۵ ریال، هر کیلو مس کاتد ۱۵۷ ریال و هر کیلو مس مفتول باید ۵۲۰ ریال مالیات بپردازند. ناگفته پیداست که مالیات پرداخت شده توسط کارخانه‌های تولیدکننده با سرشکن کردن آن بر روی قیمت تولیدات مذکور محاسبه شده و سپس به بازار عرضه می‌گردد. به زبان دیگر فشار این مبلغ مالیاتی بر دوش مردم است و نه کارخانجات. چرا که اولاً کارخانه‌های بزرگ در دست کارگزاران رژیم و وابستگان آنان است و دوماً با فروش این محصولات در بازار سیاه چندین برابر مبلغ پرداخت شده را از مردم دریافت می‌دارند. علاوه بر مالیات مستقیم، افزایش قابل توجه مالیات‌های غیرمستقیم است که در لایحه بودجه ۷۸ دولت خاتمی در نظر گرفته شده است. نمونه بارز و آشکار این افزایش مالیات غیرمستقیم را می‌توان در افزایش قیمت

بنزین به چند برابر قیمت قبلی آن مشاهده نمود. طبیعی است که متعاقب افزایش قیمت انرژی نه تنها قیمت سایر کالاها افزایشی نجومی می‌یابند، بلکه ارائه کارهای خدماتی، درمانی، آموزشی و غیره افزایش بهایی بسیار قابل توجه خواهند یافت که تمامی آن بر دوش زحمتکشان سنگینی خواهد کرد.

هم‌چنین در لایحه بودجه ۷۸ پیش‌بینی شده است که از هر خط تلفن همراه یک میلیون و پانصد هزار ریال، از هر خط سیگار وارداتی به جای ۱۰ ریال ۶۰ ریال، از هر بطری نوشابه تولید داخل به جای ۲۰ ریال ۷۰ ریال مالیات غیرمستقیم گرفته شود.

نکته مهم و قابل توجه در بودجه دولت خاتمی این است که هرچه از سهم بودجه عمرانی و عمومی کاسته شده است، که خود چیزی جز افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر مردم نیست، بر سهم بودجه ارگان‌های سرکوب‌گر و غارت‌گر رژیم و دستگاه عریض و طویل جهمی امنیتی افزوده شمرده است. (قابل توجه نوحه‌خوانان دموکرات بر کشته لاجوردی و کسانی که مردم ما را از قهر انقلابی بر علیه رژیم باز می‌دارند.) به گفته خاتمی توجه کنید: «به تأمین منابع مورد نیاز حفظ نظم و امنیت داخلی بیشتر توجه شده و اعتبارات جاری این بخش از رشدی معادل ۱۵ درصد نسبت به سال ۷۷ برخوردار شده است.» خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل!

پرواضح است که دولت خاتمی را با فقر روزافزون و سیه‌روزی مردم کاری نیست. او تمام تلاشش در جهت حفظ و حراست از پایه‌های نظام اسلامی است و دقیقاً در همین راستا است که ماشین نظامی دولت خویش را تقویت می‌کند و سهم بودجه حساس‌ترین ارگان‌های سرکوب‌گرش را نسبت به سال گذشته ۱۵ درصد افزایش می‌دهد تا بتواند حقوق‌های کلان آدم‌کشان حرفه‌ای داخلی و خارجی رژیم را بپردازد. تا آنان بتوانند با حمایت مادی و معنوی دولت چون آب خوردن مخالفان دگراندیش و آزادی‌خواهان را به ضرب گلوله و نیش چاقو و گره طناب ساکت گردانند.

جنایت، غارت‌گری، آدم‌کشی و ایجاد رعب و وحشت زبان مشترک تمامی جنایت‌کاران و ستمگران تاریخ بوده و هست و خواهد بود. در مقابل آن نیز مقاومت، پای‌مردی، فداکاری و تداوم مبارزه علیه تمامی نامردمان ضدبشر زبان مشترک زحمتکشان و ستمدیدگان تاریخ بوده و هست و خواهد بود. ولی سرانجام تا بوده و هست: سرنگونی نیستی و خفت و خواری از آن جباران تاریخ - پیروزی و بهروزی و سربلندی از آن ستمدیدگان است. □

میکونوس...

در بیست و چهار ساعت کنترل می‌کرد. آنها با استفاده از دستگاه کار گذاشته "شنود" در تلفن از مکالمه فروهرها با خبر بودند. پروانه فروهر به دوستی از ما گفته بود: "وقتی مهمانان خارجی برای ملاقات ما می‌آیند این حضرات از طبقه دوم سوت می‌زنند و هو می‌کنند و من هم به مهمانان می‌گویم این است جمهوری اسلامی".

این نشانه آن است که عمال وزارت اطلاعات هیچگاه سعی در اختفای خود نداشتند بلکه برعکس می‌خواستند به فروهرها بفهمانند که تحت نظردند. تمام دستگاه قضائی و اجرائی مملکت در خدمت ترور فروهرها و نویسندگان مرقی ایران قرار گرفته است. چنین اقداماتی کار یک یا دو فرد نیست به بودجه مالی، و کار تدارکاتی و فتوی فقیه "عالیقدر" نیاز دارد تا دستور ذبح اسلامی را صادر کنند. آنوقت به عقل سالم جور در نمی‌آید که آقای خاتمی بمنزله ریاست جمهوری این کشور از این همه "پنهانکاری" بی‌خبر بوده باشد. شگفت آور خواهد بود اگر وزیر اطلاعات گزارش فعالیت مخالفین و تماسهای آنها را با خارجیان و همظران خود را در داخل کشور در هیات وزراء به اطلاع ایشان و یا "شورای امنیت ملی" نمی‌رسانده‌اند. اگر امروز آقای خاتمی در صحنه ظاهر شده و می‌گوید قاتلین مامورین وزارت اطلاعات بوده‌اند که آلت دست خارج قرار گرفته‌اند باید توضیح دهد چطور ردیابی قاتلین و یافتن آنها پس از فرار مامورین امنیتی به خارج و رو کردن دست ایشان و همپالکی‌های ایشان ممکن شده است؟ پس باید قبول کنیم که ایشان از قبل مطلع بوده‌اند که در کجا می‌شود به سراغ قاتلین رفت. این موضعگیری سراسیمه خاتمی که در آن نقل قول خامنه‌ای را نیز که مدعی بود قتل کار بیگانگان و برای ضربه زدن به سربازان امام زمان است ذکر کرده حکایت از یک اتخاذ تصمیم دستجمعی است که جلوی آبروریزی جهانی را تا جایی که مقدور است بگیرند و تلاش کنند به امیدگذشت زمان و فراموشی مردم مبارزه و فشار مردم را خنثی کنند. ولی این اعتراف میکونوس دیگری برای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است. اگر در میکونوس اول دادگاه آلمان باید بر اساس اسناد و مدارک ثابت می‌کرد که رفسنجانی، خامنه‌ای، ناطق نوری، فلاحیان، ولایتی و نظایر آنها در قتل دست داشته‌اند و قاتل‌اند و باید تحت تعقیب قضائی قرار گیرند، در میکونوس دوم خود قاتلین به جرم خود از ترس افکار عمومی و فشار آنها معترفند. در هیچ کجای جهان تا کنون سابقه نداشته است که مقامات رسمی آنها بطور رسمی به جنایت خود اعتراف کنند. در دیکتاتورهای غیر اسلامی که آمریکائیان بر سر کار

آورده‌اند نظیر ترکیه، اندونزی و یا شیلی کشتار و ترور اپوزیسیون با خرید و اجیر کردن عوامل مافیا و یا دسته‌های جنایتکار حرفه بدون دخالت آشکار دولت صورت می‌پذیرد. این است که دولت همواره از جنایت مبرا است. در ایران این "تشریفات" را نیز انجام نمی‌دهند و ذبح اسلامی را بهر وسیله دیگری ترجیح می‌دهند. از هم اکنون روشن است که گزندى به این سربازان امام زمان نمی‌رسد. دادگاه آنها قلبی و در بسته است، نامشان معلوم نیست، مسئولیت‌هایشان معلوم نیست. رژیمی که بخواهد مردم را در جریان بگذارد به این مخفی کاریها نیاز ندارد مگر آنکه از حقیقت بترسد و بخواهد حقایق را با کتمان کند. البته بعید نیست چند محکوم سیاسی را با شکنجه نوع اسلامی در زندانها به مرحله‌ای سقوط دهند که حاضر باشند خود را عضو وزارت اطلاعات و در عین حال رابط از طریق سازمان مجاهدین خلق با صهیونیسم بین‌الملل معرفی کنند تا هم حرف خاتمی درست در آید و هم حرف خامنه‌ای و سر انجام برای فریب مردم آنها را نیز تیرباران کنند. از این رژیم هر جنایتی بر می‌آید. روشن است که همان عمال جنایتکار وزارت اطلاعات خود نیز قربانی‌اند، قربانیان رژیم جمهوری اسلامی که انسانها را تا باین درجه به سقوط و دناست می‌کشاند.

خاتمی از مردم بیشتر از عمال جنایتکار حزب‌الله می‌ترسد. وی حاضر است در مورد تمام قاتل‌های قتل‌های خارج از کشور سکوت کند. وی نمی‌گوید که قاتل رفیق جانباخته ما حمید رضا چیتگر (بهمنی) که در اتریش به وضع فجیعی به قتل رسید کیست؟ وی فقط در مورد قتل‌های اخیر که با اعتراض توده‌ای مردم روبرو شده و خطر انفجار آن موجود است اشاراتی می‌کند و مانند خامنه‌ای آنرا به عمال غیبی اجانب وصل می‌کند. یکی به نعل می‌زند و یکی به میخ. امپریالیستهای اروپائی و آمریکائی که روی خاتمی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، در تلاش‌اند تا آنجا که ممکن است وی را تبرئه کنند. رسانه‌های دیداری آلمان تا آنجا که ممکن بود موضوع را درز گرفتند تا مجبور نشوند حکم تعقیب جنائی خاتمی را نیز وقتی به فرانسه می‌آید صادر کنند. ولی آقای خاتمی باید پاسخگوی قتل‌های قبلی و کنونی در ایران و خارج باشد. وی اگر خودش برخلاف آنچه نشریات نوشته‌اند بطور مستقیم در قتل شریک نباشد چهره رسوای قاتل‌ها را می‌شناسد. سکوت در مقابل قاتل‌ها همدستی با آنهاست.

باید رژیم جمهوری اسلامی را در دادگاه انقلاب ایران به محاکمه کشید. چنانچه مردم ایران برای سرنگونی قهر آمیز این رژیم خون آشام و سرمایه‌داری بسیج و متشکل نشوند سلسله زنجیر این قتل‌ها پایانی ندارد. □

استالین...

رخ داده است. طبیعی است که لنین نخستین بنیان‌گذار جامعه سوسیالیستی، رهبر کبیر انقلاب اکبر و آموزگار بزرگ پرولتاریای جهان بود. خلق شوروی به لنین و استالین عشق می‌ورد و لذا نام لنین نیز در کنار سایر رهبران جنبش کمونیستی قرار دارد. نام لنین در هنگام تایپ از قلم افتاده بود و گر نه روشن است که دشمنی با لنین دشمنی با طبقه کارگر و دوستی با چپاولگران وی است. "توفان" با تشکر از این خواننده محترم بدرج جمله تصحیح شده می‌پردازد. متن صحیح جمله چنین است: "پذیرش اندیشه‌های انقلابی مارکس، انگلس، لنین و استالین و ضرورت دیکتاتوری پرولتاریا برای گذار به جامعه کمونیستی".

جا دارد که در این جا به یک نکته دیگر توجه کنیم. وقتی نام لنین از متنی در کنار مارکس، انگلس و استالین جا می‌افتد هر خواننده تیزی به نادرستی جمله پی می‌برد و می‌فهمد که لنین و استالین باید در کنار هم قرار داشته باشند. اما مواردی پیش می‌آید که برخی تنها به نامهای مارکس، انگلس و لنین استناد کرده و از استالین نامی نمی‌برند. این عده اپورتونیستها، رویزیونیستها، تروتسکیستها، سوسیال دموکراتها و همه متزلزل‌های خرده بورژوا و انواع و اقسام دشمنان آرایش شده پرولتاریا هستند. بهمین جهت نام استالین معیار میان دوست و دشمن طبقه کارگر است. بهمین جهت نام استالین و خدمات تاریخی دوران وی معیار وحدت مارکسیست‌لنینیست‌هاست. بهمین جهت استالین پرچم است. بهمین جهت وقتی شما با نام و پرچم استالین به میدان می‌آید همه چیز را بیکباره گفته‌اید و هر کس می‌فهد که با چه کسی سر و کار دارد. بهمین جهت همه آن برنامه‌های ظاهراً کمونیستی که از بردن نام پرافتخار استالین طفره می‌روند رنگی به کفش دارند و با این عده وحدتی در راه تشکیل حزب طبقه کارگر مطرح نیست. باید آنها را افشاء کرد. اکنون مبارزه طبقاتی در روسیه اعتلاء عظیمی پیدا کرده است. علیرغم اینکه رویزیونیستها می‌کوشند که مبارزه طبقه کارگر را به مبارزه در چارچوب "دوما" (مجلس روسیه) محدود کنند و اصلاحات یلتسین را با رهبری دولت رویزیونیستی پیش ببرند، طبقه کارگر برای کسب رهبری مردم بسیج می‌شود و بزیر پرچم استالین گرد می‌آید زیرا استالین شاگرد با وفای لنین و ناجی بشریت از قید نژادپرستان و فاشیستها و نازی‌ها بود. مسلماً نهضت حمایت از استالین و افشاء دروغهای رویزیونیستها و امپریالیستها در باره وی هر روز قدرتمندتر گردیده و رهبری مبارزه مردم روسیه را بکف خواهد آورد و آنوقت است که وضعیت رویزیونیستها، مرددین در ایران مضحک خواهد بود. برای آنها مشکل است که دروغهای خود را در مورد استالین پس بگیرند و به زیر پرچم اندیشه‌های وی روند. مبارزه طبقاتی همه چیز را صیقل می‌دهد. از لجن پاشی به استالین تا کشف حقایق فقط چند دهه طول کشید که در مقیاس تاریخی نقطه کوچکی بیش نیست.

"توفان" از همان روز نخست بزیر بار گزارش سری خروشچف و اکاذیب وی نرفت. و تاریخ بر صحت نظریه "توفان" مهر تأیید می‌زند. □

کنفرانس احزاب...

کمک رسانی را بر عهده گرفت که با یک حرکت سیاسی همراه بود...

رفقای اکوادور از آخرین تظاهراتی سخن راندند که در آن قربانی دادند: «به جرأت می توان گفت هنوز چند هفته ای از استقرار حکومت جدید در رأس قدرت نگذشته بود که اعتصابات سراسر کشور را فرا گرفت. حزب ما و تمامی سازمان های سیاسی و اجتماعی اش در رأس تظاهرات ها قرار گرفتند و جوانان نقش بسیار مؤثری را ایفا کردند.»

رفقای مکزیکی ما را در جریان ابتکار عمل هایی که برای یافتن رفیق Gregorio، که از دو سال پیش ناپدید شده است، انجام شده است، قرار دادند. «مقامات دولتی به هیچکدام از درخواست های ما پاسخ نمی دهند. ما جبهه ای علیه رعب و وحشت با همکاری دیگر نیروها به وجود آورده ایم و منسجمانه در سندیکای مرکزی انقلابی فعالیت داریم که اولین مرحله آن برگزاری اجلاس شورای ملی زحمتکشان در پایان ماه اوت بوده است که در آن در حدود ۲۰۰۰ نماینده شرکت داشتند.»

و این اولین باری است که رفقای ونزوئلایی Bandera Roja (پرچم سرخ) را در کشورشان ملاقات می کنیم. درست زمانی که این مطلب نگارش می یابد، انتخابات استانداری ها و ملی در ونزوئلا در جریان است که پرچم سرخ نامزدهای خود را معرفی کرده و یا از نامزدهای نیروهای متحد در سراسر استان های ونزوئلا حمایت می کند. احزاب برادر شرکت کننده در کنفرانس ونزوئلا در میتینگی که پرچم سرخ در شهر کان تورا با بسیج هزاران نفر برپا داشته بود، شرکت جستند. درست در جایی که ارتش این کشور در سال ۱۹۸۲ ۲۴ تن از پیشمرگه های این حزب را به خون کشید. و برآستی از چه راه هایی که پرچم سرخ از آن زمان تاکنون گذر نکرده است... سال های اسارت برای بخش بزرگی از رهبران آن و شرکت حزب در انتخابات کنونی، راهی است که طی گردیده است. این حزب تنها حزبی است که در مدیریت سیستمی که اساس آن بر پایه نفت است، حل نشد...

در فرصت های بعدی به مشکلات ونزوئلا و چگونگی کار این حزب برادر خواهیم پرداخت که بیانگر چگونگی طرز کار حزب از نزدیک و تماس با چند هوادار و بحث های اقناعی سیاست حزب که برای ما جنبه بازتاب و غنی سازی دوطرفه دارد.

کنفرانس قبل از هرچیز محلی برای ارائه بیان احزاب و چگونگی کار دسته جمعی و ارائه تحلیل های عمیق از شرایط سیاسی و ترسیم دورنمای

فعالیت های جنبش کارگری و مردمی است. تصمیمی که سال گذشته برای انتشار مانیفست حزب کمونیست گرفته شد، کار پیش از دستور کنفرانس را پر بارتر کرد... در آخرین کنفرانس بحث و تبادل نظر جهت روشن سازی و ضرورت پیش روی هرچه بیشتر در تحلیل از طبیعت بحران کنونی امپریالیسم، ارتباط میان توسعه جنبش کارگری و مردمی کشورهای امپریالیستی و مبارزه خلق های تحت ستم انجام گرفت. این تحلیل به ما اجازه می دهد تا نقاط ضعف امپریالیسم را آماج حمله خود سازیم. «حلقه های ضعیف» این زنجیر دورنمای کلی است که نمایانگر بحران هایی است که منجر به پارگی زنجیره امپریالیسم و بیداری انقلاب خواهد شد. پیروزی انقلاب موضوع نشست آتی کنفرانس خواهد بود. مدارک عمومی این کنفرانس در دست ترجمه است و می توانید آن ها را از ما بخواهید.

پیام حزب کار به کنفرانس

رفقای عزیز اکنون در شرایطی نشست جنبش بین المللی کمونیستی برگزار می گردد که بحران اقتصادی و مالی و خیمی کشورهای سرمایه داری را فرا گرفته است. تورم در همه جا بروز کرده و به میزان خطرناکی رسیده و بدین سان جامعه به اصطلاح مصرفی که بورژوازی این چنین با عربده کشی به عنوان یک جامعه ایده آل به ستایش و تبلیغ آن نشسته، چیزی جز یک نظام گندیده رو به زوال نمی باشد. جهان سرمایه داری به طور مداوم در چنگال بحران عمیق اقتصادی و مالی که در چهارچوب بحران عمومی و ادواری سرمایه داری قابل تبیین است، گرفتار بوده و هرگز از آن رهایی نخواهد یافت. واقعیت این بحران غیرقابل انسداد و وخیم که گریبان همه کشورهای کاپیتالیستی را فرا گرفته است، هرچه بیشتر موجب افشای تئوری های به اصطلاح سرمایه داری شکوفا، سرمایه داری مردمی، سرمایه داری دموکراتیک و آزاد و بشردوست شده است. در همه کشورها سرمایه داری تعداد بیکاران به نحو چشمگیری افزایش یافته و به سطحی رسیده است که تنها با بحران عمومی جهان سرمایه داری قبل از جنگ جهانی دوم قابل مقایسه است. تنها در کشورهای «دموکراتیک» اروپایی ۲۷ میلیون بیکاری آشکار موجود می باشد. قیمت ارزاق ماهیانه و حتی روزانه به مقدار قابل ملاحظه ای افزایش می یابد. در این بحران تنها پروتاریا و توده های کم درآمدند که فشارهای گرانی و تورم و بیکاری را به طور عمیق

احساس می کنند. بحران کنونی بار دیگر نشان می دهد که در عصر امپریالیسم، گلوبالیزه شدن اقتصاد و تقویت انحصارات در گرو فقر زحمتکشان جهان بوده و این جریان به تشدید تضادها و اجتماعی انجامیده و تضادهای آنتاگونیستی جامعه سرمایه داری به ویژه تضاد اساسی میان خصلت اجتماعی تولید و خصلت خصوصی مالکیت سرمایه داری را حدت می بخشد.

اکنون نیروهای تولید مادی جامعه به مرحله ای از رشد خود رسیده اند که با مناسبات تولیدی در تضادند. این مناسبات که با تکامل مستمر فن آوری توسعه می یابد، به انحصار بیشتر سرمایه در دست عده ای کمی از افراد انجامیده و اکثریت وسیع جمعیت را به پرولتر و نیمه پرولتر و خرده بورژوازی فقیر تبدیل می کند که تحت شرایط دردآوری به سرمایه وابسته اند. در عین حال که حجم تولید کالا در اثر پیشرفت تکنولوژی و استثمار بیرحمانه کارگران به طور روزافزونی توسعه می یابد، فروش آن در بازار به واسطه رقابت انحصارات و عرضه بیش از تولید و تولید اضافی، به صورت رکود صنعتی نمایان می شود. سرمایه داری از یک طرف برای کسب حداکثر سود مجبور است دست مزد کارگران را پایین آورده و یا هزاران نفر را بیکار نماید و از طرف دیگر با شتاب بخشیدن به پروسه تولید و تولید اضافی، با رکود بازار و کمبود نیروی خریدار مواجه می گردد. این امر نتیجه اجتناب ناپذیر سیستم سرمایه داری است و حاصل آن عمیق تر شدن شکاف میان بورژوازی و پرولتاریا است که به بیکاری کارگران و دشواری افزون تر زندگی آن ها منجر شده و بر تضاد آن ها با سرمایه می افزاید. دولت های امپریالیستی برای گریز از سرنوشت محتوم و فلاکت بار خویش مذبوحانه می کوشند تا با انتقال بحران خود به کشورهای تحت ستم و توسعه نیافته، موقتاً خود را از هیولای بحران و رکود اقتصادی خلاصی بخشند. امروز فقر و گرسنگی عظیمی سراسر آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و شرق اروپا را فرا گرفته است. بحران در کشورهای وابسته و توسعه نیافته به شکل مضاعفی تشدید گردیده و شرایط غیرقابل تحملی را برای کارگران و زحمتکشان بوجود آورده است. برای رهایی از این دنیای چرک و خونی که سرمایه داری و امپریالیسم جهانی آفریده است، راهی جز انقلاب سوسیالیستی موجود نیست. پیروزی انقلاب پروتاریایی اما تنها از طریق وفاداری به تئوری همیشه جوان مارکسیسم - لنینیسم و تحت رهبری حزب کمونیست به دست خواهد

پیمان ما

آیا ما در مصاف با مرگ بیش از آن در توش و توان داریم که گوی جان خود را به میان افکنیم و به این حقیقت زلال گردن نهیم که به تأخیر انداختن لحظه دم فرو بستن انسان، رست خیزی کارساز است؟ آیا ما جز با باختن جان خود می‌توانیم مرگ را به تأخیر بیاوریم؟

آیا بودن، شرافت و عزت کلمه را پاس داشتن، جهان را به تنفس عطراگین آزادی آذین بستن و هستی خویش را بلند و بالا افراشتن، گوهر جان ما را، حتی پس از مرگ در کالبد انبوه همسان انسان به امانت نمی‌سپارد؟ ما می‌میریم، اما هم‌چنان زنده‌ایم. ما پاره پاره می‌شویم، اما باز از خون و لاشه خود سر برمی‌آوریم. فریادهای ما، از درونه گنگ آرزوهای سرکوفته هزاران هزار دلی سرچشمه می‌گیرد که تنها به انگیزه دوست داشتن، صلح، امنیت، ستایش آزادی و حاکمیت برابری خواه انسان می‌تپد. فریادهای ما، ستون گدازه‌هایی است که تمام درونه ما را می‌سوزاند، گلوگاه ما را به آتش می‌کشد، و چون خشم نهفته بیرون می‌زند تا آن چه را حق انسان و حقیقت هستی همگانی اوست پاس دارد. آری، این حق انسان است که آزاد باشد و در آزادگی خود جهان را از زیبایی و شکوه آکنده سازد.

اما اینک، میهن ما غرقه به خون است. هم‌میهنان، مردم آزاده جهان، ای تمام کسانی که دلی برای دوست داشتن، زبانی برای هم‌آوایی و دستی برای هم‌دستی دارید، میهن ما اینک زیر ستم و جنایات یکی از پلیدترین حکومت‌های سرمایه‌داری جهان به اشک و خون آغشته است. مسلماً ما تنها ملتی نیستیم که گرفتار ستم و جنایت‌ایم. هم اکنون سرکرده جنایتکاران جهان، مشغول کشتار مردم بی‌دفاع عراق است و دنیا در سکوتی باورنکردنی این جنایت را نظاره می‌کند. ولی رژیم پلید جمهوری اسلامی در نوع جنایاتی که مرتکب می‌شود، کم نظیر است: در ایران امروز، مدام مردم را می‌کشند؛ زنان را با زنجیر عقب‌ماندگی و بی‌حقوقی تخته‌بند می‌کنند؛ نان و آسایش را از توده‌های کار و زحمت دریغ می‌دارند؛ عصیان آن‌ها را با گلوله پاسخ می‌دهند؛ زندان‌ها را از فرزندان برومند ما آکنده می‌سازند و سرانجام فریاد سربازان حرفه‌ای آزادی را با آدم‌دزدی و شکنجه و قتل پاسخ می‌دهند.

اینک نقش این عزیزان بر روی دستان ما مانده است. اما شور زندگی از مقابله باز نمی‌ماند و زبان انسان در پرخاش به این آزادی‌گشی به بیان می‌افتد و عمل او در برابر این جنایت به انجام می‌رسد و چنین است که انبوه تاریخ‌ساز و عدالت‌خواه مردم، به میدان می‌آید تا حق خویش را از دزدان آزادی بازستانند.

پس آیا این حقیقت که آزادی را نمی‌توان از درگاه آزادی‌ستیزان گدایی کرد، شعار ما نیست؟ آیا تمامی آدم‌خواران حاکم در رژیم جمهوری اسلامی، در هر شکل و شعار و رفتار، مسئول دزدی آزادی، قتل فرزندان مردم، بریایی زندان‌ها، شکنجه‌گاه‌ها و بی‌حقوقی‌های همه جانبه زنان و مردان میهن ما نیستند؟ آیا فردا نیز این جنایت‌ها تکرار نخواهد شد؟ سرانجام، آیا نباید بر این افسانه دروغین جناح‌ها قلم کشید و یک صدا و هم‌دست به حاکمیت نکبت‌بار این حکومت غیرانسانی خاتمه بخشید؟

بی‌شک پاسخ نهایی این پرسش را مردم ایران خواهند داد و از هم اینک که یکی از تاریک‌ترین دوره‌های تاریخ حیات خود را می‌گذرانند، نشان دفاع و مبارزه و فراخوانش به هم‌آوایی و هم‌راهی همه آزادی‌خواهان جهان اعلام گشته است.

و من، در این جا، به پشت‌گرمی مردم میهن، به عنوان یک نویسنده و یکی از اعضای کانون نویسندگان ایران در تبعید، خاطره همه جان‌باختگان ایران، از سعید سلطان‌پور تا محمد مختاری و محمد جعفر پوینده تجدید می‌کنم.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و عدالت

عباس سماکار (سخنرانی در فراخوان کانون نویسندگان ایران در تبعید)

۱۹ دسامبر ۹۸، پن، آلمان

تظاهرات ضد رژیم اسلامی در سوئد

در اعتراض به تروریسم دولتی جمهوری اسلامی و قتل فجیع نویسندگان و مخالفان دگراندیش تظاهراتی از سوی ایرانیان مترقی و چپ‌مقیم سوئد در روز جمعه ۱۰ دسامبر در شهر استکهلم برگزار گردید. تظاهرکنندگان که تعدادشان به ۳۰۰ تن می‌رسید مقابل پارلمان سوئد تجمع کرده و با ارسال یک هیئت نمایندگی سه نفره به مجلس خواسته‌های زیر را تقدیم رئیس مجلس نمودند:

۱- ارسال یک هیئت نمایندگی از سوی جامعه حقوق بشر به ایران

۲- محکوم کردن کشتار مخالفان، نویسندگان و دگراندیشان در ایران

تظاهرکنندگان سپس به جلوی سفارت جمهوری اسلامی رفته و با شعارهایی از قبیل سفارت اسلامی لانه جاسوسی و تروریستی را ببندید و مرگ بر جمهوری اسلامی ... دست به افشای رژیم اسلامی زدند. در پایان تظاهرکنندگان در محل اعطای جوایز نوبل در حضور صد ها نویسنده و مقامات دولتی با دادن شعار و ایراد سخنرانی به افشای رژیم پرداختند. این آکسیون موفقیت دیگری در افشای رژیم قرون وسطایی و خونریز جمهوری اسلامی بود. در این آکسیون رفقای هوادار سازمان کارگران مبارز و حزب کار ایران - توفان - فعالانه شرکت داشتند.

اشغال دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی

در ادامه اعتراضات افشاگرانه علیه رژیم اسلامی بویژه علیه کشتارهای اخیر در ایران روز سه شنبه ۱۵ دسامبر دفتر هواپیمایی ایران در استکهلم توسط ۳۰ تن از فعالین چپ مترقی اشغال گردید. تظاهرکنندگان با پائین کشیدن پرچم جمهوری اسلامی و تصاویر رهبران اسلامی به افشای جنایات سردمداران مرتجع و ضد مردمی حاکم بر ایران پرداختند.

تحصن در دفتر حزب چپ سوئد

از تاریخ ۱۵ دسامبر جمعی از فعالین چپ ایرانی مقیم سوئد در محل دفتر حزب چپ سوئد با خواسته‌هایی از قبیل: محکوم کردن قتل‌های اخیر توسط دولت سوئد، دفاع از حقوق پناهندگان و عدم استرداد آنان به ایران و ... دست به تحصن زدند که مورد استقبال وسیع ایرانیان و افکار عمومی قرار گرفت. سازمان کارگران مبارز و حزب کار ایران - توفان - در حمایت از متحصنین و خواسته‌هایشان پیامی انتشار داده اند که از نظر خوانندگان میگذرد:

ادامه در صفحه ۵

پیشگفتاری برای مانیفست کمونیست (۳)

در سال ۱۸۴۰ بود که پناهندگان آلمانی در لندن، يك سازمان توده یی - علنی تشکیل دادند و از این «سازمان»، جهت عضو گیری برای اتحادیه عدالت خواهان، به مشابه رشته یی انتقالی بهره می بردند. از لندن، با آلمان و گروه های پناهنده در سوئیس و فرانسه و بروکسل، ارتباط فشرده یی برقرار کردند...

روی هم رفته، در يك چنین اوضاع و احوالی بود که مارکس و انگلس و پس

از اتحاد در بروکسل، کار های تئوریک و فعالیت انقلابی خود را دنبال می کردند. البته، گرایش مساعد آن دو، به سمت «اتحادیه عدالت خواهان»، قابل انکار نیست. ولی برای عضویت در آن، شتاب چندانی به خرج نمی دادند. از قرار معلوم، وایت لینگ - همان پیشه ور دوزنده آلمانی - به سال ۱۸۴۲ میلادی نامه یی برای مارکس و انگلس می فرستد و در آن، در باره هماهنگی با آنها و استقلال شان اطمینان خاطر هایی می دهد. حتماً، به همین خاطر بود که مارکس از يك "اقدام فوق العاده و درخشان... نخستین اهتزاز نمونه وار کارگران آلمانی در عرصه تئوریک" (۵)، سخن به میان می آورد. گفتاری که تأثیر زیادی بر روی کارگران آلمانی گذاشت. ناگفته نماند که تأثیر متقابل میان مارکس و انگلس از سویی و جنبش های انقلابی از طرف دیگر، در بروکسل آغاز شده بود. چندی بعد، مارکس و انگلس و به خاطر همکاری با جناح چپ چارتریسم و «اتحادیه عدالت خواهان» - در این زمینه فعالیت انگلس به ویژه چشم گیر بود - به لندن سفر کردند. در آن دوران، سازمان های مذکور همکاری نزدیکی با هم داشتند. پس از این سفر بود، که مارکس اثر «فقر فلسفه» را به پایان برد. در این جاست که مارکس و به لحاظ تئوریک، گوشمالی سختی به «پرودن» می دهد. مارکس و در تمام این دوران، بدون این که فعالیت انقلابی خود را رها سازد، به اتفاق دوستش انگلس، ویلهلم ولف از «سیلزی» و سایرین، انجمن فرهنگ کارگری را سازمان داده و دست جمعی، به کار خیلی دشوار انتقاد و تهیه و تلطیف دریافت ها مشغول شدند:

"بر ماست که سوسیالیسم آشفته، کمونیسم فرانسوی - انگلیسی و فلسفه آلمانی - یعنی همان باور پنهان «اتحادیه» را، بیرحمانه مورد انتقاد قرار دهیم..." (۶).

در بهار سال ۱۸۴۷، مارکس و انگلس به عضویت «اتحادیه عدالت خواهان» درآمدند. برای اطلاع بیشتر در این باره، می توان به نوشتار مارکس علیه «فوکت» مراجعه کرد. چون مارکس و بر خلاف انگلس، تاریخ عضویت در اتحادیه را اواخر سال ۱۸۴۶ درج کرده است. در هر صورت، عضویت این دو در «اتحادیه عدالت خواهان»، پس از يك دوره بحث و به محض این که اتحادیه از باورهای توطئه گرانه و کمونیسم پیشه وری فاصله گرفت، انجام شد.

در این باره، انگلس می گوید:

"مُل - فرستاده اتحادیه از لندن - در بروکسل با مارکس و در پاریس با من ملاقات کرد و به نام رفقای از ما دعوت کرد که به اتحادیه بپیوندیم و گفت، که آنان به صحت دریافت های ما به طور کلی و لزوم رهایی اتحادیه از سنت های قدیمی و اشکال توطئه گرانه، متقاعد شده اند".

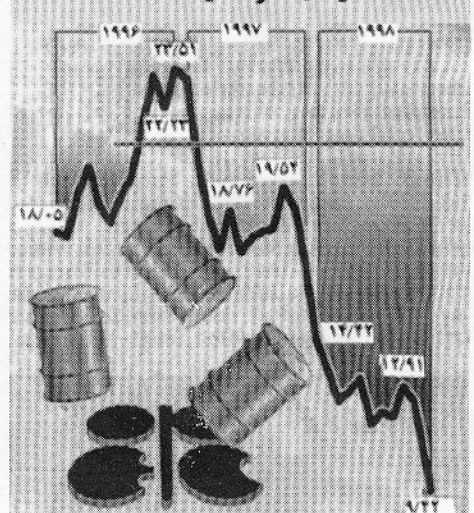
در تابستان سال ۱۸۴۷، اولین کنگره اتحادیه در لندن برگزار شد. در این

انرژی گران فقط برای مردم

اگر خاطر عزیزتان مستحضر باشد، مدتی کوتاه پس از به قدرت رسیدن «آیات عظام» همین جناب رفسنجانی افزایشی در مورد نفت نمودند که در روزنامه های آن زمان موجود است. در آن موقع هنوز بسیاری از میدان های نفتی خلیج فارس و به ویژه دریای خزر کشف نشده بود. کارشناسان نفتی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده بودند که نفت ایران در صورت ادامه فروش به صورت آن زمان آن پس از ۲۰ سال به پایان خواهد رسید. جناب رفسنجانی برای حل این مشکل طرحی ارائه کرد. بر اساس این طرح دولت می بایست در کوتاه مدت نفت ایران را ۱۵ برابر گران تر بفروشد و در عین حال تولید آن را ۱۵ برابر کمتر کند. بایک حساب سرانگشتی می توان دریافت که دولت همان مقدار پول قبل از گران تر شدن نفت را به دست خواهد آورد و نتیجتاً - اینجا را خوب داشته باشید - نفت ایران دیگر نه پس از ۲۰ سال بلکه با همان حساب سرانگشتی ۲۰×۱۵ یعنی پس از ۳۰۰ سال به پایان خواهد رسید. حال نگاهی به نمودار پایین ببیندازید تا به عمق جهالت و دورویی این آقایان پی ببرید. قیمت نفت در پایان سال ۱۹۹۸ میلادی به قیمت رسمی ۹ دلار برای هر بشکه رسید. که البته قیمت واقعی فروش همان ۱۷ الی ۸ دلار بود. فراموش نفرمایید که این مبلغ سود نیست بلکه برای تولید هر بشکه نفت به ارزی معادل ۴ تا ۵ دلار نیز نیاز است.

حال که حاکمان بسیار عاقل ما زورشان به امپریالیست ها و کنسرن های بزرگ نفتی - که برای چپاول میدان های جدید نفتی در ایران صف کشیده اند - نمی رسد، یقه مردم بیچاره ما را گرفته است. از ماه ها پیش اسلام عزیز در مطبوعاتش چنان قشقرقی به خاطر «مصرف بی رویه انرژی در ایران» سر مردم راه انداخته بود که بیا و ببین. در همان زمان همه می دانستند که آقایان چه آش پر روغنی را پخته اند. حال معلوم شد که قیمت نفت و بنزین ابعادی نجومی یافته اند. چه می شود کرد حساب اول انقلاب که درست از آب درنیامد. شاید حساب دوم چاره ساز شود. یاد شتر و پنبه دانه افتادیم. □

نمودار سقوط قیمت نفت



مانیفست...

کنگره و از آن جاکه مارکس امکان سفر نداشت، ویلهم ولف به عنوان نماینده کمون بروکسل و انگلس به عنوان نماینده همه کمون های پاریس، شرکت کردند. در اواخر نوامبر، دومین کنگره اتحادیه تشکیل شد. این دومین کنگره اتحادیه بود که مارکس و انگلس مشترکاً و با پیش نویس مانیفست، حضور یافتند. قبلاً اشاره کردیم که نگارش این سند، به مارکس و انگلس واگذار شده بود. ولی پیش از حضور در کنگره، انگلس و از آن جاکه با اصطلاح «اعتقادنامه» - ناشی از سنت سوسیالیست های فرانسوی - مخالف بود، در ملاقاتی با مارکس به او می گوید: «به این «اعتقادنامه» فکر کن. به نظر من بهتر است که از این «قالب» مدرسی دست برداشته و آن را «مانیفست کمونیست» نام گذاری کنیم... مثل این است که ما بخواهیم جلوی ورود یک مرحله تاریخی را، با توسل به یک «قالب» کهن بگیریم».

به هر حال، دومین کنگره اتحادیه تا ماه دسامبر به درازا کشید و بالاخره، با واگذاری تکلیف قطعی مانیفست حزب کمونیست به مارکس و انگلس پایان یافت. چند هفته بعد و در آستانه انقلاب پاریس، طبع مانیفست به زبان هاب آلمانی و انگلیسی و فرانسوی آغاز گردید. از آن پس تاکنون پرولتاریای جهان گنجینه ای را در اختیار دارد که در راستای کلی خود و با وجود انواع تغییرات هنوز هم معتبر است. در مانیفست اصطلاح قدیمی و بشردوستانه ای که چندان هم مبهم نیست، مبنی بر این که «همه انسان ها برادرند!» اصطلاحی که در اتحادیه هم رواج داشت، جای خود را به این فریاد طبقاتی سپرد: «پرولتاریای جهان متحد شوید»

برخلاف تصور رایج، اصطلاح اخیر برای اولین بار در «مانیفست» به کار نرفته است. در این باره آن طور که «گرون برگ» - پژوهشگر مارکسیست اتریشی - و «مایر» - محقق مارکسیست آلمانی - بدان اشاره دارند، این اتحادیه بود که در سپتامبر سال ۱۸۴۷ میلادی - چند ماه پیش از انتشار مانیفست - اصطلاح مذکور را در تنها شماره مجله ای به نام «کمونیست» به کار برد.

کنفرانس احزاب...

آمد. این تنها راه رهایی بشریت از بند سرمایه داری، ارتجاع و امپریالیسم است.

ایران

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که در خلال بیست سال حاکمیت خویش چیزی جز گسترش بیکاری، فقر و گرانی، فساد و فحشا، گسترش اعتیاد به مواد مخدر، ترور و شکنجه و اعدام و در یک کلام اختناق سیاه قرون وسطایی نیافریده است، اکنون با گسیل قوای نظامی به مرزهای افغانستان به خاطر رهایی از بحران داخلی و انحراف افکار عمومی می کوشد جنگی را علیه رژیم ارتجاعی طالبان آغاز کند. بی شک آغاز احتمالی این جنگ و تجاوز ایران به افغانستان خطراتی را برای مردم دو کشور و منطقه به همراه خواهد داشت. حاصل این جنگ چیزی جز سرازیر شدن هرچه بیشتر اسلحه به منطقه و تقویت نیروهای ارتجاعی و دخالت آشکار امپریالیست ها در امور داخلی کشورها نخواهد بود. سرنگونی رژیم ضدبشری افغانستان تنها با مبارزه خود مردم این کشور و همبستگی بین المللی با این خلق است که جامه عمل خواهد پوشید. حزب ما هرگونه تجاوز و

شریک قتل...

مذموم این جنایت. وی این قتل را فقط «ناگوار» می نامد ولی حاضر نیست آنها را که سر نخ را بدست دارند محکوم کند.

وقتی خاتمی می گوید با «هیچ فردی رودریایی» ندارد در واقع چنین توهمی را در بین مردم دامن می زند که منظورش جلب نظر مردم به آدرس خائنه ای است که در چند روز قبل روشنفکران را بشدت تهدید کرده بود. خاتمی مجریان قتل را مشتاق حق خطاب می کند که قربانی جو اتهام پراکنی حاکم شده و ندانسته مرتکب جنایت شده اند.

از دو حال خارج نیست یا این جنایات با حمایت معنوی و تدارکاتی کمیته امنیت ملی که خاتمی عضو آن است صورت گرفته است و یا در بالا سر کمیته امنیت ملی، کمیته امنیت دیگری وجود دارد که نام اسلامی برانده آن است و باتخاذ تصمیم قطعی مبادرت می ورزد. خاتمی چه عضو این کمیته اسلامی باشد و چه نباشد در این قتلها شریک جرم است. خاتمی وقتی قاتلها و مجریان و صادرکنندگان اوامر را می شناسد حداقل باید برای تبرئه خود آنها را به نیروهای انتظامی معرفی کند و یا در اختیار مردم بگذارد. وی اگر سکوت می کند می خواهد قاتل و یا قاتلین را استار کند. در همه جوامع مدنی جهان که وی ظاهراً هوادار سینه چاک آن است، استار قاتل شراکت در جرم محسوب می شود.

هنوز آقای خاتمی «رودریایی» خود را کنار نگذاشته بود که مختاری و پوینده و حاجی زاده را نیز خفه کردند تا خونشان بر زمین نرسد. چطور می شود که ایشان اگر خود دخالتی در این امر ندارند حداقل برای تبرئه خود استعفاء نمی دهند؟

خاتمی که آنطور که میگویند از وزارت ارشاد بخاطر شیوه بازرسی آن استعفاء داده بود چگونه است که در مقابل کشتارها و آدم ربائیهای اخیر که صدها بار تکان دهنده تراز سانسور قلم است به اسلحه استعفاء توسل نمی جوید. راه خاتمی راه تسلیم است، راه دنباله روی از رهبر، راه دنباله روی از قانون اساسی

جمهوری اسلامی است. خاتمی نمی تواند به خواستهای مردم تحقق بخشد. وی برای تحقق خواستهای مردم بر سر حکومت نیامده وی خواهان تقویت اسلام عزیز است. از خاتمی نمی توان انتظار داشت که مردم را به مقاومت فراخواند. مقاومت یعنی از هم پاشی نظام. پس خاتمی باید لنگان لنگان و با خواهش و التماس بدنبال «ولایت فقیه» برود و «لولوی انقلاب» را به آنها نشان دهد تا شاید از اعمال زشت خود دست بردارند. خاتمی با چسبیدن به قدرت نشان داد اتهام شراکت در جنایت را بیشتر برانزده خود می داند تا با استعفاء خود اسلام عزیز را به خطر اندازد.

تنها راه رهایی توسل به قهر انقلابی برای سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری سوسیالیستی شورائی است. □

دخالت در امور داخلی افغانستان را محکوم می کند و مردم ایران را برای سرنگونی رژیم ماجراجوی جمهوری اسلامی فرامی خواند.

رفقای گرامی

برای ما کمونیست ها انترناسیونالیسم پرولتری یک شعار تاکتیکی و یا سیاسی نیست، بلکه پاسخ به یک ضرورت تاریخی یعنی در شرایط جهانی شدن سرمایه می باشد. بدین رو بدون انترناسیونالیسم پرولتری و یک جنبش نیرومند جهانی کمونیستی قادر به مقابله با بورژوازی که در سطح بین المللی متشکل است، نخواهیم بود.

رفقا متأسفانه حزب ما به دلایل فنی و تکنیکی قادر به شرکت در این نشست نمی باشد. اما قاطعانه از کلیه تصمیمات شما که بی تردید دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و تقویت جنبش بین المللی کمونیستی است، بدون قید و شرط پشتیبانی نموده و برایتان آرزوی موفقیت دارد.

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم
زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری
مرگ بر ارتجاع - سرمایه داری و
امپریالیسم
با سلام های کمونیستی
حزب کار ایران (توفان) اکتبر ۱۹۹۸

کنفرانس احزاب کمونیست در ونزوئلا

فضایی، به ویژه رفقای احزاب آمریکای لاتین، هم چون رفقای حزب کار دومینیکن، پس از از سرگذراندن توفان سهمگینی که آن جزیره را نیز در بر گرفت، چنین اظهار داشتند: «خوشبختانه در صفوف ما و دوستان ما قربانی ای مشاهده نشد. ولی بسیاری دار و ندار خود را از دست دادند. موج اعتراضات مردمی بر علیه سرپیچی مقامات دولتی از سازمان دهی و کمک رسانی، رو به گسترش نهاد. چند تن از رفقای ما خود در صدر «کمیته قربانیان» قرار گرفتند که کار ادامه در صفحه ۸

در اواخر سال میلادی گذشته کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست در ونزوئلا برگزار گردید. «توفان» که همانند سال پیش از آن نیز به این کنفرانس دعوت شده بود، متأسفانه این بار نتوانست به عللی در آن شرکت جوید و فقط به ارسال پیامی به رفقای احزاب برادر شرکت کننده بسنده نمود. مقاله زیر ترجمه ای است از ماهنامه La Forge شماره ۳۸۰ و به دنبال آن متن پیام ارسالی توفان انتشار خارجی می یابد. کنفرانس قبل از هرچیز فرصتی است که اولویت آن دیدار رفقای احزاب برادر با یکدیگر است. در چنین

TOUFAN

توفان

Nr. 51 Feb. 99

اطلاعیه زیر چند ساعت پس از مجروح شدن رازینی بدست توفان رسید که فوراً آنرا در اختیار مطبوعات و رادیوها قرار داد.

اطلاعیه

امروز سه شنبه مطابق ۹/۱/۵ علی رازینی رئیس دادگستری استان تهران مورد اصابت گلوله قرار گرفت. هم اکنون وی در بیمارستان تحت مراقبت پزشکی قرار دارد.

علی رازینی کسی است که مبلغ ۲۰ میلیارد ریال سپرده دولتی را به حسابهای شخصی خود واریز کرده بود و از بهره حاصله آن که معادل ۱۵ میلیارد ریال در این مدت می گردید، مخارج گروههای فشار و اقدامات تروریستی رژیم را تامین می کرد. دست وی در جریان اختلافات جناحها و بویژه مورد کرباسچی رو شد. رژیمی که برای دستگیری قاتلین ده ها هنرمند و مردان سیاسی ایران که در این اواخر به قتل رسیده اند اقدام مشخصی نمی کند، تمام دستگاههای تبلیغاتی، اطلاعاتی خود را برای دستگیری ضارب یا ضاربین رازینی بکار انداخته است. این نشان می دهد که ضارب فروورها، مختاری ها، پوینده ها، حاجی زاده ها خود رژیم جمهوری اسلامی است و مردم باید برای پایان دادن به ترور و اختناق، سرنگونی این رژیم را طلب کنند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
سازمان کارگران مبارز ایران
حزب کار ایران - توفان -
۹۹/۱/۵

بخشی از آکسیون های هواداران توفان - صفحه ۹

بهمن

بهمن ماه در تاریخ جنبش کمونیستی ایران جایگاه ویژه ای دارد. این ماه یاد آور پیروزی خلقی است که بساط سلطنت را برچیده و برای دستیابی به آزادی دیرینه خویش قدمی به پیش گذارد. اگر چه ادامه در صفحه ۵

تحصن پیروزمندانه

دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی در ادامه سیاست های خائنانه برانداز و چپاول گرانه ای که به طور مستمر در طول حیات خویش علیه مردم به ویژه زحمتکشان ایران اعمال نموده اند، این بار در صدد بودند تا در شهرکاشان با فروش بیمارستان «بهشتی» توسط سازمان تامین اجتماعی به دانشگاه علوم ادامه در صفحه ۵

اطلاعیه بسیار مهم

به اطلاع خوانندگان گرامی می رسانیم که نشانی پستی و حساب بانکی توفان تغییر کرده است. شماره حساب جدید را در کادر زیرین ملاحظه می فرمایید.

تفویز توای چرخ گردون، تفوی

خواننده ای گرامی که سفری به ازبکستان داشته است، از جنایتی که خود شاهد بوده است و او را بسیار آزرده خاطر کرده، برایمان نامه ای کوتاه ارسال نموده است و تقاضا نموده که این جنایت فجیع را به اطلاع سایر خوانندگان برسانیم.

«پس از فروپاشی سرمایه داری دولتی در شوروی سابق و روی کار آمدن سرمایه داری عنان گسیخته و مافیایی در جمهوری های سابق این کشور و به فلاکت رسیدن بخش انبوهی از مردم این کشورها، مسئله فروش کودکان به امری روزمره بدل گشته است. این کودکان پس از فروش توسط برده داران جدید به انحاء مختلف چه جنسی و چه جسمی مورد سوءاستفاده قرار می گیرند. حال پدر و مادری فرزند ۸ ساله خود را با این امید فروختند که زندگی بهتری در انتظارش باشد. چندی پیش جسد این کودک در آپارتمانی در پایتخت این کشور کشف شد. جسد که خیر پیکر شرحه شرحه شده اش. از این کودک ناکام دیگر هیچگونه اندام و ارگانی باقی نگذاشته بودند. تمام ارگان های او را به در آورده و فروخته بودند. این مسئله سر و صدای بسیار زیادی در ازبکستان نموده است.»

سخنی با خوانندگان

نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست-لنینیستهای ایران است. این نشریه حاصل همکاری «حزب کار ایران» و «سازمان کارگران مبارز ایران» است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی رسانید، زیرا ما تنها با اتکا بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدتها، هرچند هم که جزیی باشد نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، زیرا مخارج گزاف پست مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

حساب بانکی
TOUFAN
POSTBANK Hamburg
BLZ. 20110022 KONTOK NR. 2573302600
GERMANY

شماره دورنگار (فکس) آلمان ۰۶۹/۹۶۵۸۰۳۴۶

آدرس
TOUFAN
POSTFACH 103825
60108 FRANKFURT
GERMANY

پیش بسوی تشکیل حزب واحد طبقه کارگر